

در فضای وب همه مردم روزنامه نگارند

گفت‌وگو با دکتر یونس شکرخواه

● مریم پایی

با مدرک لیسانس مترجمی زبان به فوق لیسانس و دکتری ارتباطات پل زده، اسمش را ترجمه کرده و میان خارجی هم همان قدر شناخته شده که در ایران. امضای این نام بر ۱۹ کتاب ثبت شده است؛ تالیف واژه نامه پژوهش های ارتباطاتی و رسانه ای، خبر، تکنولوژی ارتباطی و جامعه اطلاعاتی، مبانی خبرنگاری، مجموعه مقالات خبرنگاری مدرن، خبرنگاری و واژه نامه ارتباطات و ترجمه های شمال و جنوب، عصر اقیانوس آرام، ناسیونالیسم قرن بیستم، گذر از نوگرایی، خیابان سه طرفه، سپید در آندلس، اطلاعات و اقتصاد بحران، اسم رمز، ارتباطات، مکانی دیگر و شیوه های مصاحبه در مطبوعات.

از میان همه این مشاغل، بعد از چند هفته صدای یونس شکرخواه را می شنوی؛ مصاحبه شونده ای که به و بهتر از زنگ تلفن جواب می دهد.

بعد از ظهر یک روز در کتاب هفته میان جنب و جوش بستن صفحات و تایید آنها وقتی برای مصاحبه می گذارد. با همان حرکات سریعش یک اتاق خالی پیدا می کند، از همه دنیای پر مشغله اش پاکت سیگار و گوشی تلفن همراه را برمی گزیند و مقابلت می نشیند.

نام دکتر شکرخواه برای کسانی که او را می شناسند اینترنت و روزنامه نگاری الکترونیک را تداعی می کند، شما چه احساسی نسبت به این موضوع دارید؟

خیلی طبیعی است. من بعد از سال ۶۰ که وارد فضای روزنامه نگاری شدم، در حوزه روزنامه نگاری نوشتاری تجاری به دست آوردم. ۲۳ سال است که این ارتباط را دارم، ولی شاید حدود ۶-۷ سال است که با فضای روزنامه نگاری دیجیتال درگیر شده ام. این مقدماً با عضویت من در بولتن الکترونیک ندا رایانه شروع شد. به تدریج مطالعاتم به سمت روزنامه نگاری الکترونیک و در بستر بزرگ تر، اینترنت سوق پیدا کرد و ناخود آگاه تجارب حوزه نوشتاری به تدریج



پیش کسوت اسپرت پوش ماسخت پیدا می شود. هر بار که به یکی از محل های کارش تلفن بزنی، جا پایش را نشانه گرفته ای. مجله صنعت چاپ، هفته نامه کتاب هفته، جهان صنعت، سایت اینترنتی جام جم و چند نشریه، مؤسسه علمی پژوهشی و دانشگاه دیگر، از ۱۵ سال تجربه روزنامه نگاری سنتی و ۱۸ سال روزنامه نگاری الکترونیک استفاده می کنند. به خودش که بگویی «این همه سال تجربه» حرفت را با لحن طنز آمیزی قطع می کند و می گوید: «مگر چند سالم است؟»

یونس شکرخواه، متولد ۱۳۳۶، از خیلی پیش کسوت های دیگر مطبوعات جوان تراست. او به چابکی روزنامه نگاران جوان، فاصله میان تحریریه و فنی را طی می کند، اما با همه این فعالیت ها ترجیح می دهد معلم باشد «فکر می کنم معلمی را کمتر از بقیه کارها خراب می کنم.»

**در فضای وب همه مردم
روزنامه نگارند یعنی دست کم با
ورود پدیده وبلاگ ها هر کسی
می تواند اخبار کوچه و محل کار
خودش را در اختیار دیگران قرار
دهد، از این جهت حتی حرفه
روزنامه نگاری ممکن است یک
مقدار دچار گم کردن مرزهای
هویتتی خود با پیرامونش شود**

واکنش را فراهم کنید و محتوا را به تعامل دوسویه تبرکشانید به نوعی
روزنامه نگاری سایبر نزدیک شده اید.

به طور کلی به محضی که محتوایمان را به صفر و یک تبدیل
کردیم، با هر رسانه ای که در اختیار داریم، چاپ، رادیو، تلویزیون و ...
وارد روزنامه نگاری الکترونیکی شده ایم. اما به میزانی که تعامل در
این سایت ایجاد می کنیم به سطح دوم روزنامه نگاری on line
می رویم و در سطح سوم که سایبر ژورنالیزم است، تلاش کاربر با مدرن -
ترین تکنولوژی ها و بهترین گردش کارهای اطلاعاتی به حداقل
رسانده می شود تا خیلی سریع بتواند در سپهر اطلاعات حضور پیدا
کند، واکنش نشان دهد و اطلاعاتش را دریافت یا واگذار کند.

با وجود باز خورد پیام های رسانه که در روزنامه نگاری سایبر وجود
دارد، به نوعی می توان گفت که روزنامه نگاری سایبر نقطه ضعف تمام
رسانه های ما را پر می کند؟

دقیقاً همین طور است، چون جریان یک سو به اطلاع رسانی را به
یک جریان دوسویه تبدیل می کند. من اگر بخوام مرز روشن تری
بین روزنامه نگاری الکترونیک یا روزنامه نگاری سایبر در نظر بگیرم،
می گویم که به هر حال در هر تعامل الکترونیکی می توانیم از دو
طرف به موضوع نگاه کنیم، طرفی که سیستم ماموریت هایی را زیر
پوشش دارد و طرفی که کاربر می خواهد ماموریت هایی را انتخاب

در شکل و فرمت ساده تری به روزنامه نگاری الکترونیکی آمد.
احساس خاصی نسبت به این اتفاق ندارم فکر می کنم این
فضای متفاوتی است، در واقع شاید مضمون کار تغییر نکرده، فقط
لباسش الکترونیک و دیجیتال شده است.

در ایران کارهایی در مورد روزنامه نگاری الکترونیک انجام می شود،
ولی ما هنوز از روزنامه الکترونیک یا کاربرد روزنامه نگاری الکترونیک و
اینترنت در انتشار روزنامه تعریف خاصی نداریم؟

در حیطه الکترونیک هم ژورنالیزم همان ژورنالیزم است، در
روزنامه نگاری الکترونیک اولین اتفاقی که می افتد این است که
آنچه به عنوان محتوا در روزنامه نگاری نوشتاری دارید، با استفاده
از رایانه خودش را با فرمت و صافی عرضه می کند. در روزنامه نگاری
الکترونیک به جای اینکه از چاپ استفاده کنید از نشر الکترونیک
استفاده می کنید. بنابر این محتوای شما اینجا صفر و یک است و
رسانه شما به جای اینکه روی کاغذ قرار گیرد، روی زیر ساخت
دیگری قرار می گیرد.

این تعریف سخت افزاری است، از نظر نرم افزاری هم چنین
نیست که اگر شما محتوایی را از روی روزنامه بردارید و روی محیط
وب بگذارید می توانید بگویید کار روزنامه نگاری الکترونیک انجام
می دهید. اما روزنامه نگاری آنلاین انجام نمی دهید و در واقع آنچه
پیشرفته تر از روزنامه نگاری آنلاین است، روزنامه نگاری سایبر هم
اصلاً انجام نمی دهید یا اگر محتوای یک برنامه رادیویی یا شبکه
تلویزیونی را روی وب بریزید صاحب روزنامه نگاری نمی شوید.
بنابراین شاید بتوانیم بگوییم که در سه سطح تفاوت هست، سطح اول
سطح سخت افزاری است؛ محتوای شما از شکل چاپ به صفر و یک
تبدیل می شود رسانه شما هم از یک رسانه کلاسیک (که در فرمت های
گوناگون روزنامه، مجله، هفته نامه و ماهنامه، سالنامه و ... منتشر
می شود) در یک محیط الکترونیک قرار می گیرد.

اما سطح دوم روزنامه نگاری آنلاین را می توانید روزنامه نگاری
الکترونیک بگویید، به آن تعبیر، رادیو و تلویزیون هم روزنامه نگاری
الکترونیک هستند، ولی وقتی می گوئیم روزنامه نگاری آنلاین، سطح
توقع، درگیری و تعامل مخاطب به مراتب بیشتر از روزنامه نگاری
مکتوب یا الکترونیک است، مخاطب در درگیر شدن با سوژه اصلی
خودش را دخیل می داند و دوست دارد به نحوی سریع در مقابل
محتوای شما واکنش نشان دهد. بنابراین هر چه بتوانید امکان این



(Forum) باشد که چت خیلی تخصصی تر و کاربردی تر است.

در مورد فرم بیشتر توضیح دهید؟

ریشه تاریخی فرم میادینی است که مردم یونان قدیم در آنجا بحث می کردند. در واقع این مکان هاشاید یکی از شاخصه های رفتار دموکراتیک به حساب می آمد، در فضای الکترونیکی کاربرانی که در یک حوزه خاص تخصص دارند می آیند فرم خودشان را تشکیل می دهند؛ در واقع می توان گفت چت روم های مختلفی است که در آنها تاکتیک های مشخص تری مورد بحث قرار می گیرد. ممکن است در یک روزنامه زیر بخش اقتصادی، فرم های اقتصادی و زیر بخش اجتماعی فرم های اجتماعی شکل بگیرد و حتی در گونه های بسیار مدرن، امکان لود پیج به مخاطب داده می شود تا صفحه یا مطلب مورد نظر خودش را بتواند آنلاین در اختیار دیگران قرار دهد. ضمن اینکه به هر حال تکنولوژی در تقویت این فیدبک (بازخورد) نقش کلیدی دارد، یعنی هر چه شما بتوانید برنامه نویسی پیشرفته تر و تکنولوژی بهتری را به خدمت بگیرید، امکان فیدبک رسانی گسترده تر و سریع تری می شود.

احتمالاً این نوع ارتباط به طور کامل قابل اجرا نیست، زیرا در هر حال به دلیل گزینش کردن بازخوردها و عبور دادن آنها از فیلترهای هر رسانه

کند. هر چه سطح تلاش کاربر به سوی صفر میل کند ما در وضعیت سایبرتری هستیم، یعنی در فضای روزنامه نگاری آنلاین تمایل مخاطب به عرصه تولید یک امر مشهود و آشکار است. حالا در چنین فضایی هر چه تلاش کاربر با مخاطب را به صفر نزدیک کنیم یعنی او در کسری از ثانیه بتواند در سپهر ارتباطی دوسویه حضور پیدا کند به فضای سایبر نزدیک تر شده ایم. مثال دیگری می زنم، اگر عینک را ادامه چشم بدانیم، اتومبیل را ادامه پا، رادیو را ادامه گوش و تلویزیون را در امتداد چشم بدانیم شاید روزنامه نگاری سایبر را بتوانیم امتداد سلسله اعصاب انسان بدانیم. همان طور که سلسله اعصاب در کلیت خودش حالت انعطاف پذیری دارد و سریع واکنش نشان می دهد در روزنامه نگاری سایبر نیز همین وضعیت وجود دارد. در واقع ما با یک سلسله اعصاب پرسرعت و پرواکنش مواجهیم.

این بازخورد به چه شکل صورت می گیرد، ای میل، چت آنلاین یا روش های دیگر؟

بازخورد به هر صورتی می تواند باشد. شاید یکی از ابتدایی ترین صورتها امکان ارسال ای میل برای مخاطب باشد، در گام دوم امکان گذاشتن کامنت برای نشریه الکترونیکی است و در گام سوم این است که در محیط چت شرکت کند، گام چهارم می تواند فرم

مشروعیت یک وبلاگ یا سایت شخصی در خبررسانی قطعاً به اندازه یک روزنامه یا خبرگزاری نیست

اگر دروس مربوط به اینترنت و سواد دیجیتالی را به مدارس و دانشگاه‌ها نبریم در درازمدت با مشکل مواجه می‌شویم

الکترونیک (e commerce)، آموزش الکترونیک (e learning) و حقوق سایبر (cyber law) را داریم. پس بنابراین ما گونه‌های مختلفی از ارتباط و همچنین اصطلاح بزرگتر «جامعه اطلاعاتی» را داریم. در جامعه اطلاعاتی، شما خرید الکترونیک (e shopping) حساب الکترونیکی (e account) دارید، یک گونه‌اش هم روزنامه‌نگاری الکترونیک است.

بنابراین نوعی همداستانی وجود دارد تا زندگی به طرف بهره‌وری بهینه از یک ابزار مدرن ارتباطی (شاید بزرگ‌ترین سیستم ارتباطی که بشر به آن دست پیدا کرده یا همان اینترنت) برود، شما در اجبار هستید، در فضایی به سر می‌برید که اجباراً به سمت الکترونیک شدن می‌روید.

دوباره برگردیم به اینکه از روزنامه‌نگاری الکترونیک چه می‌خواهیم، همان چیزهایی را می‌خواهیم که از اقتصاد، اجتماع یا آموزش می‌خواهیم. اطلاع‌رسانی الکترونیک به ضرورت این زمانه تبدیل شده اما اگر این مفاهیم سایبر یا مفاهیم الکترونیک یا دیجیتال را روی نقشه قدرت یا ثروت بگذاریم، نوع دیگری پاسخ می‌گیریم. حالا سؤال به وجود می‌آید که این سایت پر قدرت و بزرگ، پر امکانات، سرشار از مولتی مدیا و این سایت بسیار سریع که نیاز ما را خیلی خوب برآورده می‌کند متعلق به کدام کانون قدرت و ثروت

خاص، امکان برقراری ارتباط دوسویه به طور کامل برقرار نمی‌شود؟ به لحاظ علمی، فیلتر سطح دسترسی شماست. فرض کنید که من صاحب یک وب‌سایت اقتصادی باشم و درآمد در کارم مهم باشد، طبعاً نوع اطلاعاتی را که می‌خواهم بفروشم را طبقه‌بندی می‌کنم، ممکن است اطلاعات رایگان یا پولی داشته باشم، سطوح مختلفی را می‌توانم فیلتر کنم که نوع دسترسی یک کاربر را به فضای اطلاعاتی خودم تعریف می‌کند. اما آنچه شما می‌گویید بحث دروازه‌بانی خبر است، اینکه به بعضی اطلاعات اجازه عبور کردن بدهم و برخی دیگر نه.

فضای وب به طرفی می‌رود که مدیریت ارتباط با ندادن اطلاعات دنبال نخواهد شد. مدیریت اطلاعات به گونه مدرن‌تری با بمباران اطلاعات تعقیب می‌شود، یعنی شاید ما به زودی در دهه بعدی شاهد فضایی باشیم که تفکری که می‌گوید با ندادن اطلاعات می‌شود رفتار ارتباطی مناسبی در کاربر، خواننده یا مخاطبمان ایجاد کنیم، به گونه بسیار مدرن‌تری تبدیل شود، یعنی با دادن اطلاعات زیاد قدرت تحلیل را از مخاطب بگیریم. اما فراموش نکنیم به هر حال در فضای وب امروز به سادگی نمی‌توان نقش دروازه‌بانی‌های کلاسیک و مقررات ملی را نادیده گرفت و از تاثیرات یک رویه یا قانون بین‌المللی گریخت.

این یک فضای تازه است، برای کسی که می‌خواهد اطلاعات ندهد چالش‌های جدیدی وجود دارد و برای کسی هم که می‌خواهد همه اطلاعات را بدهد باز چالش‌های جدیدی وجود دارد. شاید پیشرفته‌ترین ابزار فیلترینگ الان در غرب به کار گرفته می‌شود، اما در همان غرب ادبیات بسیار زیادی راجع به ضرورت آزادی بیان، مقابله با سانسور، دسترسی برابر به حفظ حریم شخصی و خیلی از موارد دیگر وجود دارد. بنابراین، فضای پرچالشی است.

این بمباران اطلاعات سال‌هاست در کشورهای پیشرفته اتفاق می‌افتد پس باید روزنامه‌نگاری سایبر هم در این کشورها تجربه شده باشد، روزنامه‌نگاری سایبر در کشورهایی دارد که جریان آزاد اطلاعات در آنها اجرا می‌شود و رسانه‌ها قدرت لازم را دارند دیگر چه مزیتی را می‌خواهد به رسانه و مخاطبش بدهد؟

به نظر من پاسخ به این سؤال که چه چیزی را در اختیار قرار نمی‌دهد ساده‌تر است. روزنامه‌نگاری الکترونیک گونه‌ای از ارتباطات الکترونیک است. در دنیای امروز ما خیلی راحت بحث تجارت

پوشش قرار دهد؟

در فضای وب همه مردم روزنامه نگارند یعنی دست کم با ورود پدیده وبلاگ ها هر کسی می تواند اخبار کوچک و محل کار خودش را در اختیار دیگران قرار دهد، به عبارت بهتر فضای روزنامه نگاری دیجیتال، خبرنگاران و روزنامه نگاران بدون کارت در جامعه به وجود آورده، از این جهت حتی حرفه روزنامه نگاری ممکن است یک مقدار دچار گم کردن مرزهای هویتی خود با پیرامونش شود.

این نوع اطلاع رسانی با سازمان یافتگی و هدایت سایت های اینترنتی که شما هم به آن اشاره کرده اید در تناقض است؟! وبلاگ ها به سازمان های نشر یک نفره معروف شده اند. در واقع سازمان های post & publish هستند، یعنی شما پست می کنید و در تمام دنیا منتشر می شود، اما فکر نمی کنم از این منظر مشکلی وجود داشته باشد، بسیاری از وبلاگ های شخصی هستند که بزرگ ترین اتفاقات جهانی را به وجود می آورند. در جنگ امریکا علیه عراق، معروف ترین روزنامه نگار جهان «سلام فکس» وبلاگ را عذ، یک پسر عراقی است که بیشترین حجم اخبار را به خودش اختصاص داده است، زیرا هر روز از داخل عراق loud می کند. این آقا الان ستون نویس گاردین است و یکی از میهمانان دعوت شده به برنامه hard talk بی بی سی بود.

یا برگردیم به اینکه خبر مونیکا لوینسکی و کلینتون را چه کسی در جهان پخش کرد؟ وبلاگ یک بچه دبیرستانی که دیپلم هم نگرفته و از مدرسه اخراج شده بود، سرمایه اش هم در دنیا فقط یک مودم بود. اما من فکر می کنم اینها پاشنه آشیل دیگری دارند؛ مشروعیت یک وبلاگ یا سایت شخصی در خبررسانی قطعاً به اندازه یک روزنامه یا خبرگزاری نیست. یعنی در هر حال همان زمانی که شما می گوئید، به مخاطبش این اعتماد را می دهد که جایی هست که پاسخگوی خبر باشد، ولی مطالبی که افراد منتشر می کنند ممکن است دروغ، شایعه یا ناشی از درک نادرست باشد.

بنابراین همه چیز فقط مربوط به روزنامه نگاران نیست. الان از یک طرف سایت ها و وبلاگ ها به یک میز ارتباطی تبدیل شده اند که برای جهان امروز ضرورت دارد. شاید من فردا از طریق سایت خودم دیگر نیاز پیدا نکنم که به روزنامه بروم، اگر مهارت های استفاده از فضای دیجیتال را بلد باشم چه اشکالی دارد که به من اجازه دهند از خانه برای محل کارم مطلب loud کنم، اگر در محل کارم همه چیز

اینکه مردم حساسیتی به تعطیلی یک نشریه نشان نمی دهند به این دلیل است که کانال های ارتباطی شان متعدد شده و نشریات هم باید مراقب این می بودند که یک روز کسی در سوگشان نگرانی نداشته باشد.

من اسپیر و بلاگم شده ام و اگر به انتخاب خودم بود ترجیح می دادم وقتی از من نگیرد

است. بنابراین پاسخ یک سری سوالات را حالا پیدا می کنیم؛ کدام کانون تجاری با چه درآمدها و استراتژی های کوتاه مدت و بلند مدتی چنین سرویسی را در اختیار ما قرار می دهد؟

آنچه شما به عنوان یک کلیت مطرح می کنید، من هم به عنوان یک کلیت می گویم، این فضای دیجیتالی و مجازی، بالاخره زیر یک نقشه عینی قدرت و ثروت چنین امکانی را پیدا می کند. بنابراین باید مورد به مورد حرف زد، یعنی اگر می گوئیم یک سایبر ژورنال خوب مثل BBC یا CNN interactive، آن وقت باید تک به تک اینها را بررسی کنیم که در این فضا دنبال چه هستند. کما اینکه اگر سایت صندوق جامع پول دایر شده چه کاری انجام می دهد. بنابراین به همین دلیل است که بزرگ ترین اجلاس جهان در ژانویه سپتامبر ۲۰۰۳ تحت عنوان جامعه اطلاعاتی با حضور سران کشورها تشکیل شد چون حالا همه فکر می کنند با یک فضای بسیار بزرگ، تا حدود زیادی ناشناخته و به یک تعبیر شاید با یک فیلم تاریخی مواجهند و تازه قرار است پروژکتورها روشن شود و روی این نور بیندازد.

با توجه به کمبود میزان مطالعه در جامعه ما و نبود امکان و دانش استفاده از اینترنت برای همه افراد جامعه، روزنامه نگاری الکترونیکی چه تعریفی برای مخاطبانش قرار داده و چه میزان افرادی را می خواهد تحت

بودند. پس انجمن صنفی روزنامه نگاران در آموزش مهارت‌های دیجیتال باید وارد عمل شود. کما اینکه از وقتی پلیس ایران، ترافیک را به شکل الکترونیک‌تری اداره کرده و در بزرگراه‌ها دوربین گذاشته از میزان شلوغی و تخلفات کاسته شده است.

پس بنابر این آموزش فقط خاص روزنامه نگاری نیست، روزنامه نگاری هم یک قبیله‌ای است در دنیایی که سیم‌پیچی و دیجیتال شده، روزنامه نگاران هم برای زندگی در این فضا مجبورند الفبای سایبرژورنالیزم را فرا بگیرند.

با توجه به تعداد زیاد و بلاگ‌های فارسی و اینکه ایرانیان در عضویت سایت **orkut** دوم می‌شوند ما نباید در دنیای اینترنت نسبتاً جایگاه بدی داشته باشیم؟

نه بچه‌های ایرانی خیلی خوب یاد گرفته‌اند، بحث هم الزاماً فقط وبلاگ و ارکات نیست اینها گونه‌هایی است که نشان می‌دهد کار با ابزار را فرا گرفته‌اند. اما مقوله‌ای که در ازای وقت، هزینه و انرژی، چقدر دریافت می‌کنند یک بحث جداس است. در واقع من کمیت وقت‌گذاری را زمانی مفید می‌دانم که این صرف انرژی گذاری شان سود بخشی داشته باشد. تا آن نتیجه را نبینم، به این زیاد دل خوش نمی‌کنم که در ارکات و وبلاگ مقام چندم را داریم. اینها تکنیک‌های ورود به این فضا است، اینها دارند ملوانان ماهری می‌شوند، اما اینکه به کجا برانند و مقصدشان کجاست، آب اینها راه می‌برد، دوباره به نقطه اول بر می‌گردند یا در عرض ساحل پارو می‌زنند، بعداً مشخص می‌شوند. با این وجود همین که ما توانسته‌ایم در فضای وب حضور ملموسی پیدا کنیم، به نظر من اتفاق کمی نیست، اما حضور مؤثر و عمیق را ترجیح می‌دهم.

اعمال محدودیت‌هایی که برای روزنامه‌ها وجود دارد چقدر در شکل‌گیری روزنامه‌نگاری الکترونیک و استقبال از اینترنت در ایران تاثیر گذاشته است؟

این طبیعی است که اگر کسی می‌خواهد به یک هدف دست پیدا کند، در را ببندند از پنجره می‌آید. من شکی ندارم که اعمال محدودیت‌ها برای گسترش فضای دیجیتال در ایران مؤثر بوده، اما نمی‌توانم همین دلیل را برای یک جامعه‌ای مثل فرانسه، کانادا یا امریکا قائل شوم که محدودیت‌های روزنامه‌نگاری خیلی کم است، اما این موجب نشده که رشد الکترونیک و میزان مصرفشان از رسانه‌های الکترونیک کم باقی بماند.

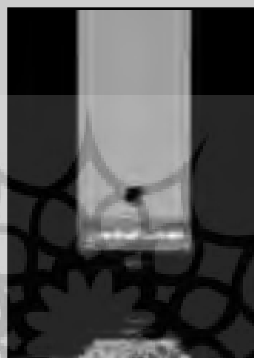
الکترونیک شده باشد چه فرقی می‌کند من کجا باشم. بنابراین بحث کار از راه دور (teleworking) یک موضوع جدی شده، مهارت‌هایی که شما می‌گویید، فقط برای روزنامه‌نگاری لازم نیست؛ به نظر من برای زیستن در دنیای امروز لازم است، یک دانشجو روزنامه‌نگار نیست، ولی اگر بلد باشد از بانک‌های اطلاعاتی موجود در محیط اینترنت استفاده کند رساله‌اش را خیلی سریع‌تر از کسی که این امکان را ندارد می‌نویسد و اگر به فرض فردا به این نتیجه رسیدیم که فقط کتاب الکترونیک داشته باشیم، تکلیف کسی که فقط بلد بوده از منابع کتابخانه سنتی استفاده کند چه خواهد شد.

به این دلیل من ترجیح می‌دهم که آموزش این مهارت‌ها مصوب شود. همه نهادهای آموزشی در این میان مسئولند، اگر دروس مربوط به اینترنت و سواد دیجیتال را به مدارس و دانشگاه‌ها نبریم در دراز مدت با مشکل مواجه می‌شویم. دوم ضلعی که در این فضا موظفند رسانه‌ها و بالاخره ضلع سوم نهادهای صنفی و مدنی هستند.

چه اشکالی دارد که مثلاً صنف آژانس‌داران تهران اعضای خودش را با استفاده دیجیتال از فضای ارتباطی امروز آشنا کند تا در وقت صرفه جویی شود یا اتحادیه صنفی چاپخانه‌داران تهران چاپخانه‌داران خودش را با دیجیتالیزم آشنا و آماده ورود به فضای چاپ دیجیتال کند. اگر آنها با چاپ دیجیتال آشنا شوند ممکن است یک فایل را از ترکیه سفارش چاپ بگیرند، یک سفارش چاپی دیگر را از فیلیپین بگیرند و خدمات خودشان را در فضای وب عرضه کنند؟ بعد مشتری‌شان هم دیگر ممکن است ایرانی نباشد به همان نسبت هم می‌توانند در مدرنیزاسیون دستگاه‌هایشان وارد عمل شوند و از چاپ کلاسیک افسست به چاپ دیجیتال رو بیاورند اگر چاپ دیجیتال را فرا بگیرند و با مفهوم CTP (computer to plate) آشنا شوند، می‌توانند مستقیماً از رایانه لینک تحویل بگیرند و مر حله فیلم گرفتن حذف می‌شود.

همین طور اگر نهاد صنفی روزنامه‌نگاران به روزنامه‌نگاران خودش یاد بدهد، به جای اینکه با خود کار بنویسند، بعد بروند تلگراف خانه‌ای را پیدا کنند و تلگراف یا تلفن بزنند، می‌توانند note book داشته باشید، مطلب را تایپ و حتی ستون بندی کنند، connect شوند و در صفحه خودشان بریزند، وضعیت خیلی فرق می‌کند.

در یکی از خبرگزاری‌ها می‌خواندم در بازی‌های آسیایی پکن تنها گروهی که از خودکار استفاده می‌کردند، روزنامه‌نگاران ایرانی



امریکا به عراق محیط‌های وب فراهم کردند رسانه‌های کلاسیک. شما هیچ وقت ندیده‌اید که نیویورک تایمز، لس آنجلس تایمز، نیوزویک، واشنگتن پست بگویند علیه بوش تظاهرات کنید. اگر این تظاهرات صورت می‌گیرد به اعتبار رسانه‌های الکترونیک است. ما رسانه‌های آلترناتیو بسیاری در دنیای وب داریم که البته محصول افراد نیستند، محصول کارهای‌های جمعی‌اند. البته افراد هم به عنوان کاتالیزور عمل می‌کنند و در ساری و جاری کردن پیام‌های سایت‌های آلترناتیو نقش غیر قابل انکاری داشته‌اند. اما اینکه فکر کنیم روزنامه‌نگاری کلاسیک می‌خواهد وارد فضای سایبر نشود چون این فضا اعتبار ندارد، خواب و خیالی بیش نیست. اکنون هم یکی از دلایل افت تیراژ رسانه‌های مکتوب را به دلیل همین خوش خیالی می‌دانم که فکر می‌کنند فضای سایبر هیچ خطری برایشان ندارد.

به طور طبیعی در جاهایی که محدودیت بیشتر است شتاب بیشتری برای استفاده از این پدیده هم هست، ولی در کل، یک تب جهانی است.

رو آوردن به سمت رسانه‌های الکترونیک موجب شده حرف‌هایی که باید زده شوند و در فضای جامعه امکان ظهور نمی‌یابد به سمت اینترنت کشیده شود، ولی همان‌طور که گفتید این فضا قدرت و اعتبار رسانه‌های دیگر را ندارد. پس چطور می‌توان به این منابع که گاهی تنها منابع اطلاعاتی هستند اطمینان کرد؟

من اعتبار روزنامه‌نگاری سایبر را در قیاس با روزنامه‌نگاری کلاسیک فرض کردم و به این معنا نیست که اصلاً اعتبار نداشته باشد، بزرگ‌ترین تظاهرات برای جهانی‌سازی در همه جای جهان از طریق اینترنت صورت می‌گیرد، بزرگ‌ترین تظاهرات را علیه همین حمله



حس می‌کنم به عنوان
شاگرد دکتر
معمد نژاد توانسته‌ام
به دست دیجیتال
دکتر تبدیل شوم



ضعف بسیاری داشته باشیم. شاید در زمانی که ضرب المثل خبر این شده که the news is what you can use (خبر آن چیزی است که بتوانی از آن استفاده کنی)، اخبار ما قابل استفاده نیست، شاید فکر می‌کنیم اخبار مقامات را که هر روز تکرار می‌کنیم مصرف می‌شود، شاید فکر می‌کنیم که قاعده من منتشر می‌کنم دیگران خواهند پذیرفت، هنوز حاکم است.

بنابراین عوامل بیرونی مثل تعدد رسانه‌ها و سهولت دسترسی به اطلاعات مؤثرند، اما بخشی هم برمی‌گردد به غذایی که ما هر روز در دپس می‌گذاریم. در تیمی هم که اطلاعات را تولید می‌کنند می‌توان بازنگری کرد. روی مسائل گوناگونی می‌توان دست گذاشت؛ کیفیت نیروی انسانی، خلا آموزش، کیفیت بد چاپ، صفحه‌بندی، اطلاع‌رسانی نهادهای رسمی، سخت‌گیری‌های غیرمنطقی در مورد رسانه‌ها. پس به اعتقاد من با یک رگرسیون چند متغیره سروکار داریم؛ آیا بهترین و موثقی‌ترین اطلاعات را تولید می‌کنند؟ اصلاً خوب بلند حرف بزنند، بنویسند، تفسیر کنند، به طور کلی بسته‌بندی پیام را بلدند؟

مسأله دیگری هم هست؛ با وجود روزنامه نگاری الکترونیک، فشار افکار عمومی برای حضور روزنامه‌ها دیگر کمتر مشاهده می‌شود، چون به منابع اطلاعات دسترسی دارند. به نظر شما راه کسب اطلاعات چقدر بر پذیرش این شرایط از سوی ما تاثیر داشته است؟ ما از یک دوره گذار حرف می‌زنیم، دلایل زیادی وجود دارد که حرف شما را نقض می‌کند، دلایل بسیاری هم هست که حرف من را نقض می‌کند. اینکه مردم حساسیتی به تعطیلی یک نشریه نشان نمی‌دهند به این دلیل است که کانال‌های ارتباطی شان متعدد شده و نشریات هم باید مراقب این می‌بودند که یک روز کسی درسوگشان نگرانی نداشته باشد. چنین چیزی نیست که ما فکر کنیم قطب عالمیم و اگر نباشیم جهان اطلاع‌رسانی متوقف می‌شود. شاید بخشی از بی‌توجهی مردم به کم شدن رسانه‌ها به خصوص روزنامه‌ها به دلیل این باشد که به منابع متعدد دسترسی دارند اما بخشی را هم می‌توان در تولیدات رسانه‌ای جست و جو کرد.

نمی‌توانیم همیشه بگوییم مخاطبان مقصردند، چون ما رادارک نمی‌کنند ممکن است اگر ما هم در رفتارمان بازنگری کنیم نقاط



در یکی از خبرگزاری‌ها
می‌خواندم در بازی‌های
آسیایی پکن تنها گروهی
که از خودکار استفاده
می‌کردند، روزنامه نگاران
ایرانی بودند.
پس انجمن صنفی
روزنامه نگاران در آموزش
مهارت‌های دیجیتال
باید وارد عمل شود

مورد مطالب به دست آورد روی آنها کلیک کند.

خبرگزاری‌های امروز که در اینترنت هم هستند نوعی روزنامه
الکترونیکی به شمار می‌آیند؟

شاید تفاوت عمده خبرگزاری‌ها با روزنامه‌های محیط اینترنتی
این است که آنها منابع اولیه تولید خبر هستند و روزنامه‌ها منابع
ثانویه. شغل و فلسفه وجودی خبرگزاری‌ها تولید خبر است، ولی
روزنامه‌ها در کنار تولید خبر مصرف‌کننده‌های بزرگی هم برای
خبرگزاری‌ها هستند.

پس به این ترتیب ما از مدت‌ها پیش یعنی وقتی خبرگزاری‌ها
روی سایت اینترنت رفتند، روزنامه‌نگاری الکترونیک را داشته‌ایم،
ولی on line و سایبر مراحل بعدی روزنامه‌نگاری هستند.

شما یک وبلاگ دارید که در مطالب آن خلاقانه آموزش به روزنامه‌نگاری
به خوبی احساس می‌شود چرا با جایگاهی که در دانشکده ارتباطات
دارید در به روز کردن دروس روزنامه‌نگاری دانشگاه‌ها اقدام نمی‌کنید؟

در روزنامه‌نگاری الکترونیک زبان نحوه ارایه مطالب چه ویژگی دارد؟
ما سبک‌هایی در روزنامه‌نگاری کلاسیک داریم، مثل هرم
وارونه، تاریخی، تشریحی، پایان‌شگفت‌انگیز و... در روزنامه‌نگاری
الکترونیک به دلیل اینکه ما هنوز کاملاً تبدیل به on line
نشده‌ایم. بنابراین ممکن است از نشستن پای اینترنت بیش از
خواندن کتاب یا روزنامه خسته شویم. در فضای نوشتاری چاپی
حرف زیاد می‌زنیم، ولی در سایبر ژورنالیسم، نحوه روایت یک
روایت، ساده‌تر، فشرده‌تر، تا حدی غیررسمی‌تر و در یک کلمه
scanable (خلاصه) است. ما باید موضوع را با نگاه اسکن کنیم و
خیلی زود به دست بیاوریم. در روزنامه‌نگاری دیجیتال باید خلاصه
حرف بزنیم. اگر هرم وارونه را تلگرافی‌ترین شکل اطلاع‌رسانی در
روزنامه‌نگاری کلاسیک بدانیم، در این روزنامه‌نگاری شکل T را
می‌بینیم. مطالب باید به صورت T عرضه شود؛ موضوع را باید زود
بگوییم و تمام کنیم، یک بحث کلان داشته باشد بعد لا غر شود. برای
جلوگیری از آسیب دیدن مطلب با عرضه شدن به صورت خلاصه، در
فضای وب امکاناتی وجود دارد که در فضاهای دیگر نیست آن امکان
هایپر (Hyper) است تا اگر مخاطب مایل بود اطلاعات بیشتری در



در واقع من اسیر آن وبلاگ شده‌ام و اگر به انتخاب خودم بود ترجیح می‌دادم وقتی از من نگیرد.

کارکرد این وبلاگ، در امتداد کلاس‌هایم، صرفاً آموزشی است. اما در مورد اینکه می‌گویید چرا کاری نکردی، فقط برای اینکه پاسخ شما را داده باشم، مطلبی را که این را جایی نگفته‌ام می‌گویم. شرح درس روزنامه‌نگاری دیجیتال را برای دانشکده خودمان نوشته‌ام. البته همین‌جا هم اعلام‌کنم که عضو دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه نیستم، ولی ۱۰-۱۲ سال است که آنجا تدریس می‌کنم و در عین حال همین مباحث را برای دانشکده صدا و سیما نوشته‌ام. دست‌کم به سهم خودم پاسخ داده‌ام و تقریباً می‌توانم بگویم شرح درس‌های معتبرترین دانشگاه‌های حیطه روزنامه‌نگاری الکترونیک را هم down کرده‌ام و همین‌الآن اعلام می‌کنم که اگر کسی می‌خواهد روی آنها کار کند حاضریم همه‌آن‌ها را در اختیارش قرار دهیم.

داریم به جاهای شخصی می‌رسیم. وبلاگ من در واقع امتداد کلاس بود. من بلاگر نیستم و چنین قصدی هم نداشتم.

بله، ولی وقتی مطلبی روی اینترنت می‌رود از حالت اختصاصی کلاس خارج می‌شود!

قطعاً، نیت اولیه من این بود که برای بچه‌های کلاس خودم استفاده شود، ولی به تدریج که به آن لینک داده شد پسته‌اش به یک جمع وسیع‌تر تغییر کرد. من الآن درخواست‌هایی دارم که به رشته تخصصی‌ام که ارتباطات است مربوط نیست، از دانشجوی جامعه‌شناسی تا اقتصاد و سینما توقع دارم که برای رساله‌اش حداقل منبع معرفی کنم. من تا جایی که از دستم بر بیاید و مداخله‌ای در کار معلمان و متخصصان آن رشته نشود این کمک را کرده‌ام، بسیاری را به صورت ایمیل پاسخ داده‌ام و آنهایی را که جنبه عمومی تری داشته روی وبلاگم گذاشته‌ام.

با توجه به شناختی که از شما دارم با کمبود زمانی که دارید بسیاری از پیشنهادات را رد می‌کنید و کارهایی که انجام می‌دهید از روی رضایت نیست. اگر فقط علاقه خودتان مطرح باشد، دوست دارید فعالیت‌هایتان را در چه زمینه‌ای متمرکز کنید؟

آنهايي را که رد می‌کنم کارهای اجرایی هستند راستش دوست ندارم و فکر می‌کنم افراد زیادی می‌توانند آن کارها را انجام دهند. اگر می‌دانستم با یک آدم کنجکا و سروکار دارم این طور جواب نمی‌دادم، حق با شماست. اما صادقانه بگویم من معلمی را کمتر از بقیه کارها خراب می‌کنم یعنی ترجیح می‌دهم همان معلم باقی بمانم و بقیه کارها را خراب نکنم. اگر بخواهم عمیق تر شوم و ته دل خودم را بگویم، دوست داشتم در خانه بنشینم و مفاهیم کلیدی، تئوری‌ها، شخصیت‌ها و مباحث رشته خودم را سر فرصت مکتوب کنم، بین دو حالت تالیف و معلمی ترجیح نهایی من تالیف است. اما زندگی چنین رویایی را به من نمی‌دهد، برای اینکه زندگی کنم باید تدریس کنم و روزنامه‌نگاری را هم انجام دهم، از روزنامه‌نگاری یک شیفت کرده‌ام به روزنامه‌نگاری الکترونیک ولی واقعاً دو بال زندگی‌ام تالیف و تدریس است. روزنامه‌نگاری را هم در خدمت تالیف قرار داده‌ام. شاید ۸-۹ سال است که روز زده نشده‌ام، اگر مطلبی نوشته‌ام سعی کرده‌ام مفاهیمی را که تاریخ ندارند و پسر خودم، دانشجویم یا بچه‌های همسایه می‌توانند از آن استفاده کنند به کار ببرم. در واقع سعی کرده‌ام کارم مسأله محور باشد نه رویداد محور.

آخرین سؤال این است که در این سال‌ها علاوه بر کارهایی که به اسم شما ثبت شده، فعالیت‌هایتان چه تاثیری بر حرفه روزنامه‌نگاری داشته که شاید به طور مستقیم قابل مشاهده نباشد؟

این سؤال سختی است. در واقع حرف دلم این است که هیچ وقت دچار توهم نشده‌ام که تاثیر بگذارم، اما حس می‌کنم به عنوان شاگرد دکتر معتمدنژاد توانسته‌ام به دست دیجیتال دکتر تبدیل شوم، شاید یکی از مسائلی که معلم من دغدغه‌اش را داشته، توانسته‌ام انجام دهم. صادقانه می‌گویم که خیلی از خودم ممنون نیستم تا به دنبال دامنه تاثیرگذاری‌ام بگردم، اما به عنوان یک شاگرد، در حیطه‌ای که دکتر معتمدنژاد من را رشد داده، زوائدم را حذف کرده و متعادل نگاه داشته، فکر می‌کنم که سر به راه بوده‌ام.

علاوه بر این، یک کلاس را برای مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها در زمینه روزنامه‌نگاری سایبر گذاشته بودم، یک کلاس برای انجمن صنفی و در زمینه گونه‌های مختلف خبرنگاری هم سعی کرده‌ام ادبیات «نرم‌خبر» را تولید کنم و در این خصوص مقاله و کتاب نوشته‌ام. یک واژه‌نامه ارتباطات هم که در واقع بزرگ‌ترین واژه‌نامه‌ای بود که در زمینه ارتباطات درآوردم. راستش بیشتر از این دیگر توانایی و قدرت ندارم کاری انجام دهم.

شما به عنوان کسی که از برنامه‌های گروه ارتباطات چند دانشگاه مطلعید می‌دانید که برای اصلاح درس‌های این رشته چه سمت و سویی را در نظر گرفته‌اند؟

فکر می‌کنم اگر مصاحبه‌های اخیر معلم همیشگی من آقای دکتر معتمدنژاد را دیده باشید، اطلاعاتی در این زمینه داده‌اند، ما اگر صاحب بحث‌هایی از این دست شده‌ایم یا امروز من و شما می‌توانیم حول یک محور ارتباطی با هم صحبت کنیم مدیون تلاش‌های شخصی دکتر معتمدنژاد و همکارانش در دانشکده است. ما در حال حاضر رشته ارتباطات را تا سقف دکتری داریم، دانشگاه تهران روی مدیریت رسانه متمرکز است، دانشگاه آزاد به همین صورت کار کرده، دانشگاه امام صادق در حیطه ارتباطات و فرهنگ متمرکز شده و دانشکده علوم اجتماعی ما قرار است به صورت دانشکده ارتباطات با شاخه‌های روزنامه‌نگاری و روابط عمومی مستقل شود.

شرح درس‌های روزنامه‌نگاری سایبر نیز همان طور که عرض کردم تهیه شده تا کلید بخورد، شاید یکی از خطرهایی که به نظر من جدی است و با درس تکنولوژی‌های ارتباطی باید جبران کنیم، آشنایی با نرم‌افزارها و ساخت افزارهای روز ارتباطی دنیاست. همان طور که می‌دانید مرکز پژوهش‌های ارتباطات در کشور وجود دارد که باز در رأسش آقای دکتر معتمدنژاد است. یک انجمن هم برای جامعه اطلاعاتی شکل گرفته که با بقیه همکاران عضو هیأت‌امنا هستیم. شرکت نسبتاً خوبی دست‌کم از نظریه‌سازی اطلاعات در اجلاس جهانی ژنو صورت گرفت، جلسات زیادی هم برگزار شده تا شاید بتوانیم از مباحث اجلاس استفاده بهتری انجام دهیم، کتاب آقای دکتر معتمدنژاد در زمینه اجلاس ژنو و مفهوم جامعه اطلاعاتی به بازار آمده، تا حدودی هم در حیطه نشر کارهایی در خصوص جامعه اطلاعاتی، روزنامه‌نگاری اینترنتی و خود اینترنت صورت می‌گیرد.